



روزانه ها ...



پیوندها

قلم ها



خانه

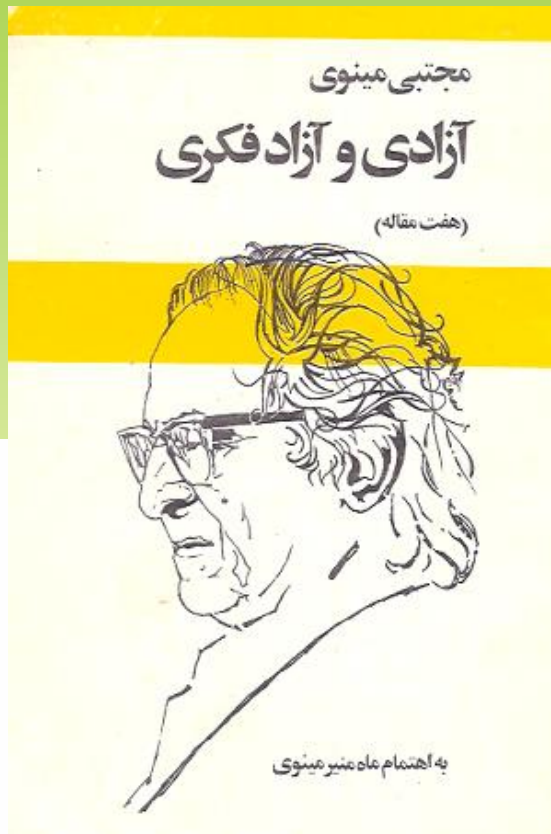


آراد (م) ایل بیگی گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد؛ تنها برای خواندن ست و ...

444

## زندگی و آثار مجتبی مینوی



□	آزادی و آزادفکری
□	جوشه مجتبی مینوی
□	چاپ اول عجله بنما
□	چاپ دوم ۱۳۳۸
□	چاپ سوم خرداد ۱۳۵۰
□	چاپ چهارم بهمن ۱۳۵۸
□	ناشر: انتشارات توس

## درصحت مندرجات

۶	۱- آزادی و قلم
۳۳	۲- ملازمت علم و دموکراسی
۴۳	۳- آزادی مطبوعات
۵۶	۴- آزادی و رشد اجتماعی منلزم یکدیگرند
۶۹	۵- آزادی مدنی
۱۱۷	۶- دعوت بی چمان
۱۶۶	۷- بحث لغوی در باب تسامح
۱۷۹	۸- زندگی و آثار استاد مجتبی مینوی

## مختصری در باره زندگی استاد

روز هفدهم بهمن ماه سال ۱۲۸۲ شمسی در تهران، در خانواده‌ای روحانی و اهل علم کودکی متولد شد که نامش را مجتبی گذاشتند. پدر و مادر مجتبی دختر صمو و پسر عمو و نوه‌های ملامحمد جعفر شریعتمدار، روحانی مشهور تهران بودند. این زوج جوان که مجتبی فرزند اولشان بود عاشقانه یکدیگر را دوست داشتند و شاید بتوان این مسئله را یکی از علل هوش سرشار کودک بحساب آورد.

چون مجتبی به سه سالگی رسید، پدرش که در این زمان بیست و بیست و دو سال نداشت برای تحصیل مفهوم دینی عازم عراق حلبات و سامره شد تا در محضر میرزا محمد تقی شیرازی به تکمیل علوم بپردازد. چند ماه بعد مجتبی همراه مادر و برادر سه ماهه اش احمد به پدر پیوست. از همان زمان، چون کودکان دیگر را می‌دید که به مکتب می‌روند، با اصرار و سماجتی که بسیار کودکان می‌نمود از پدر می‌خواست که او را هم به مکتب بگذارد و پدر که شوق فرزند را در یادگیری می‌دید، راضی شد. اما ملای مکتب‌دار حاضر نشد کودکی چهارساله را تعلیم دهد. ناچار پدر خود تعلیم او را به‌عهده گرفت. مجتبی با هوش سرشاری که داشت چنان به سرعت درسها را فرا می‌گرفت که پدر را به حیرت وامی‌داشت. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را بخوبی آموخته و قرآن را ختم کرده بود.

این‌بار چون پدر فرزند را نزد ملای مکتب‌دار برد و ملا از کودک

۱۳۱

نوجوان هفده ساله ناچار پذیرفت.

اما اگر از این زمان تحصیل مدرسه‌ای برای مجتبی امکان نداشت، کتاب خواندن ممکن بود نوجوان علم‌دوست و علاقه‌مند هیچ فرصتی را برای کتاب خواندن و یادگیری از دست ندهد و اوقاتش را که دیگر جوانان به تفریح می‌گذرانند او صرف فراگرفتن میکرد.

این اوقات میرزا کوچک‌خان جنگلی در شمال نهضت موسیائیستی تشکیل داده بود. مجتبی مخفی از پدر به این نهضت پیوست و در جرگه جوانان کمونیست، نام‌نویسی کرد میان قوای دولتی با کمونیست‌ها زد و خوردهایی درگرفت. در یکی از این زدوخوردها کمونیست‌ها به قفقاز گریختند. مجتبی هم همراه آنها به بادکوبه رفت و چهارماه در آنجا ماند. در این مدت کوتاه، با همه نوجوانی و بی‌تجربگی دریافت که از قول تا فعل فاصله بسیار است و کمونیست‌ها هم نمی‌توانند پس از بقدرت رسیدن همان باشند که پهنکام مخالفت با دستگاه حاکمه اندامی‌کنند. بنابراین پس از بازگشت از بادکوبه فعالیت سیاسی را به کناری نهاد و چون سابق به کتاب خواندن و آموختن پرداخت.

اوضاع ناآرام شمال سبب بازگشت خانواده به تهران شد. پدر از عدلیه به مجلس شورای ملی منتقل شد و مجتبی هم به سمت تندنویس در مجلس به‌کار پرداخت. حالا دیگر مجتبی نوجوانی نوزده، بیست ساله بود که خیلی پیش از سن خود میداشت. در مجلات ادبی آن زمان مقاله می‌نوشت قسمت عمده حقوق خود را صرف خریدن کتاب میکرد و به‌نسبت رفت‌وآمدی که در کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها داشت با بسیاری از استادان مسلم آن زمان مانند عباس اقبال، علی‌اکبر دهخدا، نصرالله فلسفی و سیدحسن شترزاده آشنائی بهم زده بود. و همگی دقت نظر و احاطه او را بمطالبت ادبی و تاریخی می‌ستودند حتی مرحوم علامه قزوینی که مقیم پاریس بود بی‌آنکه او را دیده باشد یا او مکاتبه میکرد. در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ با مستشرقین اروپائی که به‌ایران می‌آمدند مانند پروفیسور پوپ و هرتسفلد آشنا شد. به اتفاق احمد کسروی نزد هرتسفلد به آموختن زبان پهلوی پرداخت و سپس رسالتی از هرتسفلد را بزبان فارسی ترجمه کرد با پروفیسور پوپ در تدوین

انتحائی بعمل آورد. چنان از قرآن خواندن و معنی کردن کودک به سر شوق آمد که نه تنها او را به شاعری پذیرفت بلکه تقبل کرد برایخان تعلیمش دهد.

مجتبی نه ساله بود که پدرش (عیسی شریعتمداری) از سوی میرزا به درجه اجتهاد نایل آمد و به تهران بازگشت. مجتبی را به مدرسه اسلام که در درخونگاه، نزدیک منزلشان واقع بود بردند. کودک نه ساله را امتحان کردند. در فارسی و عربی از سطح متوسطه هم برتر بود. لکن چون علوم و ریاضی پدر کافی نخوانده بود. ناچار در کلاس ششم ابتدائی به درس‌خواندن مشغول شد.

در پایان همان سال تحصیلی، مجتبی که بیش از ده سال نداشت، در بین تمام شاگردان کلاس که از او به‌مراتب مسن‌تر بودند رتبه اول را حازر شد و مدرسه به افتخارش جشن گرفت.

دوره اول متوسطه را در دارالفنون طی کرد. از همین ایام عاشق کتاب بود اما وضع مالی خانواده چندان رضایت‌بخش نبود که او بتواند کتاب‌های مورد علاقه‌اش را خریداری کند. فاصله مدرسه و خانه نسبتاً زیاده بود و مجتبی ناچار را در مدرسه می‌ماند. برای پول ناهار روزی یک قران (که در آن زمان برای یک وعده غذا کافی بود) از پدر می‌گرفت. لکن این پول را صرف خوردن غذا نمی‌کرد بلکه روزانه یک نان خانگی از خانه با خود به‌مدرسه می‌برد. از باغچه مدرسه سبزی می‌چید، ناهار را به نان و سبزی قناعت میکرد و روزی یک قران‌ها را برای خرید کتاب جمع میکرد. هسته اصلی کتابخانه پسرزگت و پرورش او را همین کتابها تشکیل داد.

دوره دوم دبیرستان را در مدرسه دارالمعلمین مرکزی پایان رسانید و علاوه بر زبان عربی که بسیار خوب می‌دانست، زبان فرانسه را هم فراگرفت و بعداً آن را تکمیل کرد. اوایل سال ۱۲۹۹ شمسی پدرش (عیسی شریعتمداری) که بعد از برقراری حکومت مشروطه در عدلیه استخدام شده بود به سمت ریاست عدلیه گیلان منصوب شد و از مجتبی خواست که ترک تحصیل گوید و با وجود سفر من برای کمک به معاش خانواده به سمت منشی عدلیه همراه او به گیلان برود. و

شد و کمسیون معارف، پانصد تومان (که در آن زمان پول خوبی بود) حق‌الترجیمه به مینوی پرداخت. مینوی تصمیم گرفت با این پول به انگلیس برود و چند ماهی در کتابخانه‌های غنی و باارزشی که آنجا دیده بود به مطالعه کتب خطی فارسی و عربی بپردازد اما این سفر کوتاه چند ماهه چنان به درازا کشید که شانزده سال بطول انجامید. چرا؟ مجتبی مینوی را همه به سرانجام لجه و تندخوانی می‌شناسند و این هر دو صفت دشمنان زیادی برای او فراهم می‌آورد خاصه آن زمان که هنوز جوان بود و سن توها تنده او را اگرچه به حق نمی‌پسندیدند، پس از رفتن مینوی به انگلیس رندان از او نزد رضاشاه سعادت کردند و کتابی را که تازه ترجمه و منتشر کرده بود گواه آوردند. در جانی از این کتاب نوشته شده بود «پارت‌ها قومی چادر نشین بودند که از راه راهزنی و غارت زندگی می‌کردند...» و در جای دیگر: «کلمه پهلوی مشتق از پارت است که به ترتیب پرتو، پرتو، پهل و پهلوی شده است.» بنابراین مینوی، (و نه نویسنده کتاب)، خواننده است به ساحت مقدس اعلیحضرت همایونی اهانت کند و ایشان را چادر نشین، راهزن و غارتگر بخواند. فی‌لندن چنین استدلالی به یک مستبد بی‌فرهنگ کار دشواری نبود. رضاشاه دستور داد فوراً کتاب را جمع‌آوری کنند و حقوق مینوی را که بنا بود هر ماهه برایش به ارز دولتی به انگلیس بفرستند قطع کنند. پدر و برادران در نامه‌ای که برای مینوی نوشتند یا رمز به او حالی کردند که صلاحش در بازگشت به ایران نیست، چه با محیط ارماب موجود در آن زمان جانش در خطر بود و چنین بود که سفر او تا سال ۱۳۲۹ به طول انجامید. سال‌های اول اقامت در انگلیس به مینوی بسیار سخت گذشت در خرداد ماه ۱۳۱۴ به مادر خود نوشت: سه هفته است که روزانه با یک وعده غذای حفرانه سر می‌کنم آنچه فروختنی داشته‌ام فروخته‌ام و با این حال خیلی هنر می‌کنم می‌توانم تا شش هفته دیگر بزنگی ادامه دهم اگر تا آن زمان پولی برآیم نرسد معلوم نیست زنده بمانم. مادر، پدر و برادران به دست و پا افتادند همان روز بوسیله یک صراف پیروی برایش سیصد پوند (هزار و هشتصد تومان) حواله کردند. و چون بی‌دانش نبود لاف‌نمایی از این

۱۳۵

بنامهای رامین و ساکان است که هر دو پیش مادر ماندند و هرگز به ایران نیامدند. دوران شانزده ساله اقامت در انگلیس سبب شد که به زبان و ادبیات انگلیسی احاطه کامل یابد. خاصه در ایامی که برای بی. بی. سی گفتار تهیه می‌کرد. رجال علم و ادب اروپا را چنان که باید شناخت و قسمتی از این گفتارهای او بعدها بصورت کتابی با نام «پانزده گفتار درباره رجال علم و ادب اروپا» از طرف دانشگاه تهران به چاپ رسید و چندین بار تجدید چاپ شد. در این سالها فرهنگ و زبان مادری خود را هم از یاد نبرد و قسمتی از وقت گرانبایش را در این راه صرف می‌کرد. خانهاش سخل دوستار ایرانی و اروپائیان ایران‌دوست بود و گویا به در خانه‌اش به خط زیبای فارسی نوشته بود: «هر که خواهد گو درآید.» که آشنا و نا آشنا می‌رفتند و از محضرش استفاده می‌کردند.

یکی از درستان نزدیک این دورانش که مینوی در نامه‌های خانوادگی بسیار از او و سعادت‌های بی‌دریش نام می‌برد استاد یحیی مهدوی است که او را تا پایان حیات پدر غمخوار بود و کتابها با کمک و همکاری یکدیگر به چاپ رسانیدند.

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ که دستگاه استبدادی رضاشاه برچیده شد و روزنامه‌ها و مجلاتی آزاد در ایران بوجود آمد، مینوی که از دوستان قدیم حبیب پنهانی بود مقالات و داستانهای بسیار برای مجله پنما می‌فرستاد بطوریکه تقریباً هیچ شماره‌ای از این مجله خالی از نام مینوی نبود. این همکاری برای مجلات سخن و راهنمای کتاب هم تا آخر عمر مینوی ادامه داشت.

در سال ۱۳۲۹ مینوی بنا به دعوت دانشگاه تهران به ایران آمد و به تدریس «تاریخ ایران در دوره اسلامی» در دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات پرداخت از آنجا که دلش می‌خواست دانشجویان برای کسب معلومات درس بخوانند، نه برای دست آوردن مدرک، در کار تدریس سختگیر و دقیق بود. از این رو بسیاری از دانشجویان از او ناراضی بودند.

در زمان حکومت دکتر مصدق که دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ

کتاب مطرح هنر ایران و همکاری داشت و سالها بعد از آن در مجله‌ای که پوپ برای معرفی هنر ایران در آمریکا بر زبان انگلیسی منتشر میکرد مقاله می‌نوشت. اشعائی بختی با مستشرقان برای ورود طرف مقید قایده‌های بسیار بود که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

در سال ۱۳۰۵ به‌تصایت علاقه شدیدی که پفرهنگت اسمیل ایرانی داشت نام خانوادگی‌اش را از سرتمداری به مینوی تغییر داد. در سال ۱۳۰۷ مجتبی مینوی که در میان اهل فضل و ادب شهرتی کسب کرده بود همراه عده‌ای از محصلین ایرانی بعنوان معاون سرپرستی (رئیس سرپرستی مرحوم اسمعیل مرآت بود) به پاریس رفت اما پس از پخش اهانت در پاریس پملت خدم سازش با مرحوم مرآت به انگلیس رفت و زیر نظر مرحوم تقی‌زاده در سرپرستی محصلین مقیم انگلیس مشغول بکار شد لکن در این مدت هم کار اصلی او مطالعه و یادگیری بود و بالاخره در سال ۱۳۱۰ به ایران بازگشت و کارهای ادبی و فرهنگی خود را در وطن دنبال کرد.

پس از بازگشت به تهران با سه نویسنده جوان آن زمان که همه تقریباً یا دو هم‌سن بودند (صادق هدایت، بزرگ علوی و مسعود فرزاد) گروه «ربعه» را تشکیل دادند که بعدها تعدادشان از چهار نفر خیلی بیشتر شد لکن نام «ربعه» همچنان بر آنها ماند.

این ایام نامه‌نویسی را با تصحیحات و توضیحات کافی چاپ کرد. نوروزنامه منسوب به خیام، ویس و رامین و دیوان ناصر خسرو را به چاپ رسانید و به افتخار صادق هدایت کتاب مازیار را نوشت و این همه در حالی بود که رسماً عضو وزارت معارف بود و سمت رئیس کمیسیون نمایان در آنجا کار میکرد. در سال ۱۳۱۳ که کنگره هزاره فردوسی تشکیل شد مینوی جوان‌ترین فردی بود که در این کنگره شرکت کرد و مورد توجه و احترام کلیه مستشرقین قرار گرفت سال پیش از آن بنا به پیشنهاد رئیس کمیسیون معارف تغیل کرده بود که کتاب «وضع ملت» دولت و دربار در زمان شاهنشاهی سامانیان نوشته پروفسور آرتور کریستین دانمارکی را بزبان فارسی ترجمه کند و اکنون این ترجمه پایان یافته بود. کتاب در اواسط سال ۱۳۱۳ منتشر

۱۳۴

پول صرف خرید کتاب خواهد شد. پدر و یکی از برادرانش (احمد مینوی) نزد مرحوم ارباب گیشرو شاهرخ رفتند و مسئله را با او در میان گذاشتند. زنده یاد شاهرخ وسیله‌ای فراهم کرد که بعد از چند ماه حواله شصصد پوند ارز پنسام مینوی صادر شد و آنجنم زردشتیان را واداشت که هزار تومان از این پول را بپردازد. پتیه را هم پدر و برادران (که هیچوقت ثروتی نداشتند) فراهم کردند و شصصد پوند ارسال شد. در ضمن ارباب گیشرو نامه‌ای به مرحوم تقی‌زاده که در آن زمان سفیر ایران در انگلیس بود نوشته و وضع مینوی را شرح داد. تقی‌زاده پس از دریافت نامه شخصاً بمنزل مینوی می‌رود واز او گله می‌کند که: «چرا بمن چیزی نگفتی؟» و مینوی با صراحت لجه همیشگی جواب می‌دهد: «من حاضر نیستم برای ادامه حیات گردن پیش کسی کج کنم.»

بعد حال از این پس وضع تا حدی روبراه شد. تقی‌زاده می‌دانست که دانشگاه آکسفورد در جستجوی دانشجویان ایرانی برای تدریس زبان فارسی است. مینوی را معرفی کرد و وسیله معاش او از این راه فراهم شد.

بعد از آن مشاغل دیگری مانند تهیه فهرست برای کتابخانه چمبرزینی، و سپس تهیه برنامه‌های ادبی، هنری و سیاسی برای قسمت فارسی رادیو بی. بی. سی به مینوی واگذار شد که همه را به بهترین نحو ممکن از عهده برآید.

برنامه‌های بی. بی. سی نه تنها دوستداران بسیار در میان شنوندگان فارسی زبان که شیفته گفتارهای تیز و پرمعنی او میشدند برایش فراهم کرد، بلکه وسیله‌ای شد برای مبارزه مینوی با دستگاه استبدادی رضاشاه. چه مینوی در گفتارهای سیاسی خود که البته ای بگروز اجرا می‌کرد، فحایع شاه و درباریان را برمی‌شمرد و شایع بود که رضاشاه از شنیدن این گفتارها چنان عصبانی می‌شود که بارها رادیو را بر زمین زده و شکسته است.

مینوی در سال ۱۳۱۶ در لندن با دختری انگلیسی ازدواج کرد. ثمره این ازدواج نافرجام که خیلی زود به جدایی گرائید دو پسر

بود، مینوی علاوه بر استادی دانشگاه، ریاست تعلیمات عالی وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. پس از سقوط حکومت مصدق، از طرف دانشگاه مأموریت یافت که به ترکیه برود و از کتب خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ترکیه میکروفیلم تهیه کند. این میکروفیلمها اکنون یکی از گنجینه‌های عتی کتابخانه مرکزی دانشگاه را تشکیل می‌دهد. هنای کتابخانه‌های ترکیه چنان مینوی را مجذوب کرد که پس از اتمام مأموریتش، برای دسترسی بیشتر به کتب خطی آنجا، رایزنی فرهنگی ایران در ترکیه را پذیرفت و اقامت او در این کشور چندین سال طول کشید. کتاب تقیسی کلیله و دمنه چاپ مینوی یکی از نثرهای این دوران است.

چون مینوی به ایران بازگشت از طرف نگاه فرانکلین ریاست مؤسسه لغت فارسی، به او واگذار شد و طی بیش از یکی دو سال نتوانست باگردانندگان این دستگاه بسازد و کار تهیه لغت نیمه‌کاره ماند. در سپر ماه ۱۳۵۰ دانشگاه تهران پنجاه سال خدمت فرهنگی و ادبی مینوی را جشن گرفت و برای ارج نهادن به مقام علمی او بیعت دوستانش، حبیب یغمائی و ایرج افشار، کتابی بنام «نامه مینوی» به چاپ رسانید که در آن بسیاری از استادان دانشگاه مقاله نوشتند. از چند سال پیش که بنیاد شاهنامه در وزارت فرهنگ و هنر بوجود آمد، مینوی به سمت سرپرست فنی این بنیاد برگزیده شد و با دقت نظر خاصی خود به تصحیح و چاپ داستانهای شاهنامه همت گماشت. دو داستان در زمان حیات او و یک داستان که کار تصحیحش را پهلایان رسانیده بود پس از مرگش به چاپ رسید. امید که شاگردانش در محیطی مساعد که بعدها باید بوجود آید کارش را ادامه دهند.

مینوی در مردادماه ۱۳۵۵ در اثر سقوط از پله‌های کتابخانه‌اش مبتلا به شکستگی دنده‌ها شد و یک ماهی در بیمارستان بسر برد. پس از آنکه به خانه رفت پزشکان توصیه کردند که در حالت استراحت کامل باشد اما مینوی جواب داد: «اگر بنا باشد کار نکنم، فایده زنده ماندنم چیست؟» و با این فکر به کار خود در بنیاد شاهنامه ادامه داد. چندی بعد دچار تنگی نفس شد. عکسبرداری نشان داد که در

ریشه‌اش مایع جمع شده است.

باز هم به او توصیه استراحت کامل شد و باز هم او نپذیرفت. حالش بدتر شد. به توصیه عدلی ازدوستان برای معالجه به انگلیس رفت و با حالی بدتر بازگشت. یک چند درختان بستری بود. دو توپ به بیمارستان قلب منتقل شد. یازدهم، در روز ششم بهمن‌ماه ۱۳۵۵، فقط چند ساعت پس از تصحیح آخرین فرم شاهنامه چشم از جهان فرو بست. جسدش را سه شبانه‌روز در سردخانه بیمارستان نگه داشتند. زیرا: «دولت باید از او تجلیل کند و مراسم عزاداری یا جشن‌های ششم بهمن بناقالت دارد.»

روز نهم بهمن بخاک سپرده شد. یک هفته در رادیو و تلویزیون آغارش، صداپیش، تصویرش و نوشته‌های دیگران در باره‌اش پخش می‌شد. در اردیبهشت ۱۳۵۶ دانشگاه تهران مراسمی برای یادبود او برپا داشت که بعدت سه روز چند تن از استادان دانشگاه و دوستان نزدیکش دربارهاش سخنرانی کردند. در سانگود وفاتش کتابی بنام «پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی» برای پانزدهم یکی از آثار مشهور المشار منتشر شد که همه این سخنرانی‌ها در آن چاپ رسیده است. تنها ذخیره مینوی از سال دنیا کتابخانه نفیس و منحصر بفردش بود که به ملت ایران هدیه کرد.

این بود خلاصه‌ای از زندگی و مرگ مردی که عمر خود را وقف فرهنگ و تاریخ و هنرش کرد. در میان یادداشت‌هایش قطعه کافه‌ای بود که بر آن نوشته بود: «بیر قبر من بنویسید:»

زندگی هرچه بود بس خوش بود گرچه که برف و گاه آتش بود فیهست آثار چاپ شده‌اش در پهلایان همین کتاب است و پانزده‌هاست‌های پرارزشی که از او باقی است اگر روزی چاپ شود چه بسا که از آثار چاپ شده‌اش ثمربخش‌تر باشد. از آن جمله است دستور کامل زبان فارسی که تمام شده و آماده است و فقط باید تنظیم و چاپ شود. امید که هرچه زودتر این کار به همت دوستان صدیقش انجام پذیرد.

ماه‌نیر مینوی آذر ۱۳۵۸

## فهرست آثار و نوشته‌ها\*

### الف - کتابها

- ۱۳۰۵ کشف دلولوح تاریخی همدان - تحقیق ارتست هرستفلد - ترجمه مجتبی مینوی - تهران - انجمن آثار ملی (تجدید چاپ ۱۳۵۸).
- ۱۳۰۶ معلومات تاریخی درباره آثار ملی اصفهان و فارس. خطاب به ارتست هرستفلد. ترجمه مجتبی مینوی. تهران - انجمن آثار ملی (تجدید چاپ ۱۳۵۶).
- ۱۳۰۷ دیوان ناصر خسرو - تهران - ۸۰۰ ص. (به تصحیح سید نصرالله تقوی، با مقدمه سید حسن تقی‌زاده و تعلیقات علی‌اکبر دهخدا).
- ۱۳۰۸ اطلال شهر پارمه (اثراوتست هرستفلد) - ترجمه مجتبی مینوی - برلن - ۲۴ ص + ۲۶ ص - فرانسه ۳۵۵ تصویر.
- ۱۳۱۰ سیاستنامه (تصحیح عبدالرحیم خلخالی). دوسوم آن به وسیله مینوی تصحیح شده - تهران، ۱۸۶ ص.

۱۳۱۱ نامه تسر. تهران. ۸۱ ص -

۱۳۱۲ کشف الواح نارینه بنای تخت جمشید. بقلم ارتست هرتسفلد. ترجمه مجتبی مینوی. تهران. انجمن آثار ملی. (تجدید چاپ ۱۳۵۱).

۱۳۱۲ نوروزنامه. تهران. ۱۴۸ ص.

۱۳۱۲ مازیار (به انضمام نوشته صابو هدایت). تهران. ۱۳۸ ص.

۱۳۱۳ شاهنامه فردوسی (جلد اول از دوره چاپ کتاب روشی بروحیم). تهران. ۵۲۰ ص.

۱۳۱۳ همکاری در چاپ و خلاصه شاهنامه به اهتمام محمدعلی فروغی.

۱۳۱۴ وضع ملت و دولت دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان. تألیف آرتور کریستن سن. کسرجمه مجتبی مینوی. تهران. کمسیون معارف. ۳۰۷ ص.

۱۳۱۴ ویس و رامین. اثر نخرالدین اسعد گرگانی. تهران. بروحیم. ۵۶۶ ص.

۱۳۲۱ رساله در امر مالیات از خواجه نصیرالدین طوسی. با همکاری ولادیمیر مینورسکی. مندرج در BSOAS (۱۹۴۰). صفحات ۴۷ تا ۶۱.

۱۳۲۸ اقبال لاهوری شاعر پارسی گوی پاکستان (بحث در آثار و افکار او). تهران. مجله پنا. ۸۵ ص.

۱۳۲۹ علامت مصدق (ثبت). تهران. مجله پنا. ۳۰ ص.

۱۳۳۰ مصنفات افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی. با همکاری مجتبی مینوی. تهران. دانشگاه تهران. جلد اول. ۲۴ + ۲۸۶ ص.

۱۳۳۳ عبود الحکمه (تألیف ایسن سینا). تهران. دانشگاه تهران. ۳۲ + ۴۶ ص.

۱۳۳۵ پانزده گفتار (دوباره چند تن از رجال ادب اروپا از امیردوس تسا برناردوشا). تهران. دانشگاه تهران. ۴۴۸ ص. (در سال ۱۳۴۶ در ۵۲۷ صفحه تجدید طبع شده است).

۱۳۳۵ کهنه نامه فرای. انقوه (ترکیه). ۲۶ ص.

۱۳۳۵ تحریفات الم (منظومه از سنائی غزنوی). مندرج در فرهنگ ایران ۱۳۲

۱۳۵۲ تاریخ و فرهنگ. تهران. خوارزمی. ۵۵۴ ص. (عمر دوباره مجموعه گفتارها و نوشته‌های مجتبی مینوی. جلد سوم).

۱۳۵۴ احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خوافی به ضمیمه منتخب نورالعلوم. تهران. انجمن آثار ملی. ۱۸۰ ص.

۱۳۵۴ نامه تسر. گردآورنده تالیفات مجتبی مینوی و محمد اسمعیل رضوانی. تهران. خوارزمی. ۲۵۹ ص.

**ب - مقالات**

۱۳۳۵ ق. افسانه. نامه پانزسی. شماره ۱۳. ص ۲۰۵-۲۰۶.

۱۳۰۴ مقدمه بر داستانگستران یا انتقام خروشان مزدک. نوشته صحنی زاده کرمانی. تهران. ۱۴۰ ص.

۱۳۰۴ مقدمه بر اصلاح‌الدین ایوبی و بنگیان. نوشته جرجی زیدان. ترجمه م. د. تهران. دو جلد.

۱۳۰۶ انتقاد مقاله طهران یا تهران. آینده. ۲: ۴۵۵-۴۵۹.

۱۳۰۶ ترجمه فردوسی تفسیر طبری (کتابهای مهم). مقدم. ۱: ۵۶-۱۰۵۶۰-۱۰۷.

۱۳۰۶ گاهنامه. مرددهای زرتشت [از ابراهیم پورداود]. آینده. ۲: ۵۵۶-۵۵۷.

۱۳۰۷ جشنهای ایرانی (مهرگان). مقدم. ۱۵۷۱-۱۶۴-۲۳۵-۲۴۱-۲۷۷-۲۸۱.

۱۳۱۳ تعلیم و تربیت در دوره شاهنشاهی ساسانیان [ترجمه از آرتور کریستن سن]. تعلیم و تربیت. ۱۶: ۱۵۱-۱۶۵.

۱۳۱۴ تعلیم و تربیت و معلومات در عصر ساسانیان [ترجمه از آرتور کریستن سن]. تعلیم و تربیت. ۵: ۴۵۸-۴۶۰.

۱۳۲۱ ادوارد براون و خدمات او به ایران. روزگار نو. ج ۱. ش ۲: ۸-۲.

۱۳۲۱ نظامی (حیات. شعر. اخلاق). روزگار نو. ج ۱. ش ۱: ۱۸-۲۱.

۱۳۲۶ روابط و خلائق ادبی و فرهنگی که میان نواح ایران و انگلستان موجود است. [ترجمه از نوشته سن. هاللون]. روزگار نو. ج ۲. ش ۲: ۲۱-۲۲.

۱۳۱۱ زمین. جلد ۵ (۱۳۳۲): ۵۱-۶۵.

۱۳۳۶ السعادة والامعاد. تألیف ابوالحسن عامری. چاپ همگی از روی خط مجتبی مینوی. ویرسات. ۲۴ + ۴۵۹ ص.

۱۳۳۷ مصنفات افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی. با همکاری مجتبی مینوی. تهران. دانشگاه تهران. جلد دوم. ۳۸۷ ص.

۱۳۳۸ آزادی و آزاد فکری (مجموعه مقالات). تهران. ۱۲۸ ص.

۱۳۳۹ The Chester Beatty Library. A Catalogue of the Persian Manuscripts and Miniatures. Dublin. 1959. 3 vols.

با همکاری A. J. Arberry و Edgard Blochet و M. Robinson و B. Wilkinson

۱۳۴۳ ترجمه کلیله و دمنه. انشای ابوالعسائی نصرالله مشی. تهران. دانشگاه تهران. ۴۵۱ ص. (تجدید چاپ هم شده است).

۱۳۴۴ اصلاح یا تغییر خط فارسی. تهران. مجله پنا. ۱۸ ص.

۱۳۴۴ سیرت جلال‌الدین مینگرتی. تصنیف شهاب‌الدین محمد نخراندزی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. مج ۴۸۷ ص.

۱۳۴۴ هفتاد سالگنی فرخ. بمناسبت هفتادمین سال ولادت سید محمود فرخ. تهران. ۴۲۴ ص.

۱۳۴۶ فردوسی و شعر او. تهران. انجمن آثار ملی. ۲۴۶ ص.

۱۳۴۸ یادنامه ایرانی مینورسکی. با همکاری ایرج افشار. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۰۵ + ۲۰۵ + ۴۱ + ۲۵۵ ص.

۵۳۴۹ داستانها و قصهها. تهران. خوارزمی. ۲۷۹ ص. (عمر دوباره. مجموعه گفتارها و نوشته‌های مجتبی مینوی. جلد اول).

۱۳۵۰ نکسوف نامه یا طب اهل ختا. تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران. دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران. ۵۱۹ ص. (مجموعه آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی).

۱۳۵۰ وفتنامه ربیع رشیدی (الرقیة الرشیدیة). با همکاری ایرج افشار. تهران. انجمن آثار ملی. ۳۸۲ ص. (چاپ همگی)

۱۳۵۱ نقد حال. تهران. خوارزمی. ۵۵۰ ص. (عمر دوباره. مجموعه گفتارها و نوشته‌های مجتبی مینوی. جلد دوم)

۱۴۳

۱۳۲۳ تخمیس قرآنی از حافظ از یکی از معاصرین او. روزگار نو. ج ۳. ش ۴۴۳: ۱۹.

۱۴۲۳ نسخه‌های قدیم گسر شاسپ نامه. آموزش و پرورش. ۱۴: ۵۷۲-۵۶۹.

۱۴۲۴ شیوه فارسی نویسی. سخن. ۱۸: ۸۱۳-۸۱۲.

۱۳۲۴ کتاب هزاره فردوسی و بطلان اسباب «یوسف و زلیخا» به فردوسی. روزگار نو. ج ۵. ش ۱۶۱۳-۲۶.

۱۳۲۴ منشاء نقش شبر و خورشید علامت رسمی ایران. Dīnshah Irani. Memoriel Volume. بی‌شماره.

۱۳۲۵ قصیده چون و چرا. [از ابوالمهمین جرجانی]. یادگار. ج ۲. ش ۹: ۲۱-۲۱.

۱۳۲۵ توضیحی در بسبب قائل قصیده چون و چرا. یادگار. ج ۲. ش ۷: ۲۵: ۱.

۱۳۲۵ نسخه‌های قدیم گسر شاسپ نامه. آریانا. ۴: ۷۲۴-۷۲۸.

۱۳۲۶ درباره قصه گریه عابد. سخن. ۳: ۶۲۷-۶۲۸.

۱۳۲۷ نقشه ملکه. پنا. ۱: ۳۰۴-۳۱۰.

۱۳۳۰ ر. پستی و بلندی ملل از چیست. پنا. ۲: ۲۰۷-۲۰۷ + ۴۹: ۵۷-۱۴۵ + ۱۵۶.

۱۳۲۷ پوشیدن روی یا نبوشیدن روی. ای زبان بگوشید تا چادر حقارت نبوشید. پنا. ۱: ۱۵۵: ۱-۱۵۵: ۲ + ۲۱۶-۲۱۶.

۱۳۲۷ سفر شاه به انگلستان. پنا. ۱: ۲۱۸: ۱-۲۲۰.

۱۳۲۷ عزت و هودت یا هجرت و رجعت. پنا. ۱: ۲۴۹: ۱-۲۵۵.

۱۳۲۷ عمر دوباره. پنا. ۱: ۸۱: ۱-۱۳.

۱۳۲۷ کنایه‌های معنوی بلدی در لندن. پنا. ۱: ۵۴: ۱-۵۸.

۱۳۲۷ ماهی وان یا بان. پنا. ۱: ۴۵۲: ۱-۴۵۶.

۱۳۲۸ بهادور ویر و سرما پدید کردن. پنا. ۲: ۱۴۰: ۱-۱۴۰.

۱۳۲۸ ترجمه تفسیر طبری. پنا. ۲: ۲۲۵: ۲-۲۳۰.

۱۳۲۸ چگونگی یوه زن پارسه نسلی یا نت یا پنا. ۱: ۱۰۴-۱۰۴.

۱۳۲۸ درشکه چی. پنا. ۲: ۵۲۴: ۲-۵۲۷.

۱۳۲۷ دوستی. پنا. ۲: ۴۵۶: ۲-۴۵۶.

۱۴۵

۱۳۲۸	سلطنت یوسفی ترکش دوز . یغما . ۳۱۲-۳۱۰-۲۰
۱۳۲۸	طرح کم خرج . یغما . ۵۶۷-۵۶۲:۲
۱۳۲۸	کتاب شرح معرفت . یغما . ۴۱۳-۴۰۵:۲
۱۳۲۸	مار زخم خورده . یغما . ۴۵۷-۴۶۱ ( اقتباس از فرج بعدالشدت )
۱۳۲۸	هدایای هیکت . یغما . ۲۱-۱۷:۲
۱۳۲۸	همزاد زخم . یغما . ۳۷۳-۳۶۹:۲
۱۳۲۹	شهر کتب خانها . یغما . ۳۱۰-۳۰۵:۳
۱۳۲۹	شیره فارسی نویسی . یغما . ۲۵۳:۳-۳۵۹-۴۰۱-۴۰۷ و ۴۵۵-۴۴۹
۱۳۲۹	حلی جنگی . یغما . ۱۲۰-۱۲۸
۱۳۲۹	مصیبت ( از داستانهای چخوف ) . یغما . ۵۴-۴۹:۳
۱۳۲۹	مهمان دانشمند ما . یغما . ۲۱-۱۷:۳ ( درباره والتر هنتنگ )
۱۳۲۹	نامه‌ای از ستایش به عیام . یغما . ۲۱۵-۲۰۹:۳
۱۳۲۹	هدایای المسلمین در طلب . یغما . ۵۱-۴۹۷:۳
۱۳۳۰/۳۱	الجنون فنون ( جنون حذف کردن ، وجه تسمیه ساری و اشتقاق ساری - کشف و اختراع ) . یغما . ۲۸۹:۴-۲۸۵ و ۲۸۵-۲۹۶ و ۱۳۵:۵-۱۵۱
۱۳۳۱	آزادی مطبوعات . یغما . ۴۸۶-۳۸۱:۵
۱۳۳۱	به یاد علامه اقبال . یغما . ۸۰-۷۹:۵
۱۳۳۱	تسامح یغما . ۴۳۸-۴۳۳ و ۳۹۰-۳۸۵:۵
۱۳۳۱	تقویم و تاریخ در ایران قدیم [ تألیف ذبیح بهروز ] . یغما . ۵:۵۶۲-۵۶۲
۱۳۳۱	ذکر جمیل سعدی . یغما . ۱۰۲-۹۷:۵
۱۳۳۱	زبان فارسی . سخن . ۱۶۸-۱۶۲ و ۲۶۱-۲۶۴ و ۲۵۷-۳۵۳
۱۳۳۱	زنی که شوهرش را ترک کرد ( از داستانهای چخوف ) . یغما . ۳۴۸-۳۴۶:۵
۱۳۳۱	قصه قاروت . یغما . ۵۳۰:۵-۵۳۲
۱۳۳۱	نمایش ایرانیان تصنیف آستخیلوس . یغما . ۲۵۶-۲۵۲:۵ و ۱۴۶
۱۳۳۲	یکی از فارسیات ابونواس . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۱ ش ۱: ۶۲-۷۷
۱۳۳۲	اجتماع کواکب در سال ۵۸۲ . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۲ ش ۱۶: ۵۲
۱۳۳۲	پدایش و نوو مذهب شیعه . یغما . ۳۵۵-۳۵۰: ۸
۱۳۳۲	ترجمه علوم چیزی به فارسی در قرن هشتم هجری . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۳ ش ۱۶: ۲۶
۱۳۳۲	توضیحات و اضافات و تصحیحات بر و یادداشت‌های تروینی . جلد دوم . تهران . انتشارات دانشگاه تهران . ص ۲۱۳-۲۲۱
۱۳۳۲	توفیقات کسری انوشروان . چاپ حسین نخجوانی . تبریز ۱۳۳۲ ( مقلعه بر آن )
۱۳۳۲	حکایت با نتیجه . یغما . ۳۱۴-۳۱۱: ۸
۱۳۳۲	خوارج . یغما . ۲۵۸-۲۵۴: ۸
۱۳۳۲	دشمنانگی ( بحث شعری ) . یغما . ۱۸۰-۱۷۷: ۸
۱۳۳۲	عبرت تاریخ . یغما . ۱۵۳-۱۴۵: ۸ و ۱۹۳-۲۰۲
۱۳۳۲	فتح مصر به دست کمبوجیا . یغما . ۱۰۹-۱۰۳: ۸
۱۳۳۲	کتاب طبقات صوفیه انصاری . یغما . ۱۳۷-۱۳۵: ۸
۱۳۳۲	قران کواکب در سال ۵۸۲ . یغما . ۷۶-۸۳: ۸
۱۳۳۲	موش و گرگ مجلسی . یغما . ۵۵-۴۹: ۸
۱۳۳۲	هفت پیکر نظامی . یغما . ۴۳۳: ۸-۴۸۱
۱۳۳۲	یکی از فارسیات ابونواس . A Armagan, Symdoliae in Honorema Zeki Velidi Togan . استانبول ۵۵-۱۹۵۰ . ص ۴۳۷-۴۵۰
۱۳۳۵	الاهه ( الهه ) هم اصل است و هم درست است . یغما . ۳۸:۹-۲۰۲
۱۳۳۵	از بخارین ترکیه . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۲ ش ۲: ۲۲-۷۵ و ش ۵۳۳: ۸۹ ( مجموعه رسائل ترمذی ، بابانهار خودنامه ، صبر عیام ، رسائل حکمت و اخلاق ، و شرح حال ابوالحسن طبری )
۱۳۳۵	اصرار بسیار پایه انصاری شود . یغما . ۴۳۳: ۹-۴۳۹
۲۹۸-۲۹۸	هرزداشته [ تألیف ابراهیم پورداشته ] . یغما . ۵۶۳-۵۶۱: ۵
۱۳۳۲	آزادی و رشد اجتماعی مستقیم بکند بگردند . یغما . ۳۹۱-۳۸۵: ۶
۳۳۲-۳۳۲	
۱۳۳۲	احقاق حق یک بچه . یغما . ۱۷-۱۲: ۶
۱۳۳۲	اولین کاروان معرفت . یغما . ۱۸۱: ۱-۲۳۲ و ۲۳۷-۲۷۴
۱۳۳۲	۲۷۸ و ۳۱۳ و ۳۱۸ و ۳۵۱ و ۳۵۳
۱۳۳۲	تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی [ تألیف ذبیح انصاری ] . سخن . ۵۸۴-۵۸۳: ۴
۱۳۳۲	تولیع یا تربیت ؟ یغما . ۵۴-۴۹: ۶
۱۳۳۲	زندگانی شاه عباس اول [ تألیف نصرالله فلسفی ] . سخن : ۵۸۰-۵۸۲
۱۳۳۲	شد یا شد . سخن . ۱۸۷-۱۸۵: ۵
۱۳۳۳	آزادی مدنی . یغما . ۱۰۷-۹۹ و ۹۷ و ۱۰۴-۱۴۵ و ۱۵۳-۱۹۳
۱۳۳۳	بریش سوزیم . یغما . ۳۳: ۷-۸۷ و ۹۶
۱۳۳۳	تصحیحات بره راجحه الصدور و آیه السور و تألیف محمد بن علی راوندی . به سبب توضیح محمد اقبال ( که از روی چاپ اوقاف گیب چاپ عکسی شده ) . تهران . ( پنج صفحه مقدمه ) . حذف هجرت ابن . سخن . ۵۶۴-۵۶۳: ۵
۱۳۳۳	حواشی یادداشت‌های تروینی بر جلد اول . جلد دوم . ص ۲۲۸-۲۱۳
۱۳۳۳	خبتاگر یا حوسبان . یغما . ۶۳۸: ۷
۱۳۳۳	درباره کتاب فرج بعد از شدت . یغما . ۳۰۶-۳۰۳: ۷
۱۳۳۳	دو نامه تاریخی از میرزا ابوالقاسم قائم مقام . یغما . ۴۴۷-۴۳۷: ۷ و ۴۸۵-۴۹۰
۱۳۳۳	مآخذ قصص و تمثیلات متنوی [ تألیف بدیع الزمان فروزانفر ] سخن . ۲۰۱: ۵-۲۳۲
۱۳۳۳	ملازمة علم و دموکراسی [ از برتراند راسل ] . یغما . ۷-۳۳۸
۱۳۳۳	۳۸۶-۳۸۶: ۳۹۲ و ۱۲۷-۱۶۹ و ۲۱-۱۳: ۶
۱۳۳۳	ویس و رامین . سخن . ۱۲۷
۱۳۳۵	قصه زنی از اهل باث . یغما . ۳۴۱: ۹-۳۴۷
۱۳۳۵	کاپوسنامه فرای . یغما . ۴۳۹: ۱۹-۴۸۱ و ۴۶۵-۴۹۵
۱۳۳۵	پریه ( تحقیق درباره یک لغت ) . یغما . ۱۹-۵۳: ۱۹
۱۳۳۶	تحریریه لفظ [ سانس ] . فرهنگ ایران زمین . ۱۵-۵: ۵
۱۳۳۶	تقی زاده . یغما . ۵۴۵-۵۲۹: ۱۰ ( تجدید چاپ در و یادنامه تقی زاده ) . تهران . ۱۳۳۹
۱۳۳۶	داستان جدید و خورشید سلیمان سادویی . سخن . ۱۷-۱۱: ۸
۱۳۳۶	داستان کلیله و دمنه رودکی . فرهنگ ایران زمین . ۲۶۵: ۵-۲۷۸
۱۳۳۶	دستان گل و هرمز از شیخ طاهر . سخن . ۶۴۳: ۸-۶۵۴
۱۳۳۶	درباره بنی از کله و دهنه . یغما . ۳۳۶: ۱۰
۱۳۳۶	دستور زبان فارسی . یغما . ۴۳۳: ۱۰-۴۴۶
۱۳۳۶	زندگانی بشری . یغما . ۱۴۵: ۱۰-۱۹۳ و ۱۹۹-۲۵۰ و ۱۰۷-۹۷ و ۵۶-۴۹: ۱۱
۱۳۳۶	شروع عقاب . یغما . ۲۹۹-۲۹۳: ۱۰
۱۳۳۶	عکسبرداری از نسخه‌های خطی عربی و فارسی . آموزش و پرورش . ۵۷۲-۵۷۱: ۲۶
۱۳۳۶	قصه موش و گرگ منظوم . یغما . ۱۰۷: ۱۰-۴۸۸
۱۳۳۶	کتابی از مأمون خلیفه ( انحصار کتبه و دهنه عربی ) . یغما . ۱۰: ۳۳۷-۳۳۵
۱۳۳۶	یادداشت درباره چند نسخه خطی که فیلم آنها برای دانشگاه تهیه شده است . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۵ ش ۲: ۱۰-۵۳
۱۳۳۷	بنی آدم اعضای یکدیگرند . یغما . ۴۵: ۱۰-۴۶
۱۳۳۷	تحقیقاتی درباره کلیات سعدی . یغما . ۳۸۵: ۱۱-۳۹۱
۱۳۳۷	توضیحات و اضافات و اصلاحات بر یادداشت‌های تروینی جلد سوم . جلد چهارم . تهران . انتشارات دانشگاه تهران . ص ۲۷۹-۲۸۷
۱۳۳۷	شعر حریری درباره مسعود سعد . مجله دانشکده ادبیات [ تهران ] ج ۵ ش ۱۰: ۱۱-۱۱

۱۳۵۴	محمد قزوینی. راهنمای کتاب. ۱۵: ۳۳۷-۳۴۱	۱۳۵۱	کادرو شعر در فرهنگ اجتماعی ایران. روزنامه رستاخیز. شماره ۱۱۴ و ۱۱۵ (۲۳ و ۲۴ شهریور)
۱۳۵۱	دانش و آزادگی و دین و مروت. راهنمای کتاب. ۱۵: ۴۰۳-۴۰۴	۱۳۵۱	تدریس زبان فارسی در دانشگاهها. گزارش نخستین جلسه علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی. تهران. ۳۸-۴۴
۱۳۵۱	فردوسی ساختگی و جزین اصلاح اشعار قدما. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران. ج ۱۹ ش ۱/۲: ۱۸-۱۹	۱۳۵۲	دریاره ترجمه به فارسی. جشن نامه محمد پروین گنابادی. به اهتمام محسن ابراهیم‌نژاد و محمد روشن. تهران. ص ۲۲۱-۲۲۲
۱۳۵۱	ناصر خسرو. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ۸: ۳۷۲-۳۰۴	۱۳۵۴	احمد بن الطیب السمرقندی فیلسوف ایرانی. جاویدان خرد. ج ۱ ش ۱۸-۹: ۷-۱۸
۱۳۵۱	اهتمام در تهیه متن صحیح فاهنامه و چاپ آن. سمرغ. ش ۱: ۷-۳	۱۳۵۴	مدینه فاهله تاریخی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. ۲۲: ۲۲-۳۴
۱۳۵۱	دهقانان. سمرغ. ش ۱۳-۸: ۱۳-۸	۱۳۵۲	داستانهای حماسی ایران در مآخذی غیر از شاهنامه. سمرغ. ش ۹-۲۵: ۲۵-۹
۱۳۵۱	یادداشتی بره بخشی از تفسیر کهنه. نصیح محمد روشن. تهران. بنیاد فرهنگ ایران.	۱۳۵۲	غزلیات شمس تبریزی (نامه). راهنمای کتاب. ۱۸: ۱۶۸-۱۶۹
۱۳۵۱	یادداشت بر شیوه رسم الخط فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (نیروزه)	۱۳۵۴	داستان نثر. راهنمای کتاب. ۱۸: ۶۳۶-۶۴۰
۱۳۵۲	شعراي معاصر ایران. راهنمای کتاب. ۱۶: ۱۶-۲۰	۱۳۵۲	فردوسی به گردن ما حق بزرگ دارد. فردوسی و ادبیات حماسی. تهران. سروش. ص ۱۶۵-۱۷۰
۱۳۵۲	گفتگو [با] مجتبی مینوی: پژوهشگر سینه‌دو. کتاب امروز. شماره ۱۹: ۲۵-۱۹	۲۵۳۵	ادبیات و مردم. روزنامه رستاخیز. شماره ۵۴۱ (پنجشنبه ۲۱ بهمن) ص ۱۸
۱۳۵۲	[مقدمه بر] در باره رباعیات خیام] تألیف حسن دانشگر. تهران. ص ۹-۱۲		
۱۳۵۲	زبان فصیح و گویشهای محلی. سخن. ۳: ۳-۵		
۱۳۵۲	داستان دستم و سهراب. راهنمای کتاب. ۱۷: ۶۰-۱۹		
۱۳۵۲	جواب به اسلام کافیه. سخن. ۲۳: ۵۴۶-۵۴۷		
۱۳۵۲	گروم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا. راهنمای کتاب. ۱۷: ۶۸۱-۶۹۲		
۱۳۵۲	رسالة صاحبیه [از سندی] مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ۱۰: ۲۵-۶۵		
۱۳۵۲	[مقدمه بر] داستان فرود از شاهنامه فردوسی. مصحح محمد روشن. تهران.		
۱۳۵۴	تاریخ به چه درد می خورد آ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. [تهران] ج ۲۲ ش ۳۸۱: ۴۶-۳۸		

### ج- کتابها و مقاله‌ها به زبان انگلیسی

1937	Note on Mafarrukha's. Bull. of the American Inst. for Iranian Art and Archaeology. 5, pp. 27-8
1937	Notes on the Rab'li Rashihi. Bull. of the American Inst. for Iranian Art and Archaeology. 5, pp. 247 - 254.
1937	Persian quatrains on a dyed sock. Bull. of the American Inst. for Iranian Art and Archaeology. 5, pp. 271
1937	The so - called Bad' script. Bull. of the American for Iranian Art and Archaeology. 5, pp. 143-148

۱۵۵

۱۵۴

1938	Notes on Nizam- al- Mulk as a patron of building. Bull. of the American Inst. for Iranian Art and Archaeology. 5, pp. 244 - 46
1939	Calligraphy. An outline. Survey of Persian Art. history II, pp. 1707 - 42. با همکاری Ph. Ackerman. ( 1940 - 42 ).
1940	Nasir - al - din 'Fusi on Finance. BSOAS. 10 pp. 755 - 87. با همکاری ولادیمیر مینورسکی
1942	A note on Persian grammar. IRAS. pp. 41-47
1949	Mirza Muhammad Khan Qazvini. BSOAS. 13 pp. 547: 550
1950	Summary of Aqai Minovi's Lecture on Sufism. Journal of Iran Society. 1: pp. 32-34
1957	The Abridged version of the Kalila - wa - Dimna by al - Ma'mun the Caliph. 24 Int. Congress of Orientalists 1957, pp. 316-318
1992	The Persian historian Bayhaqi. Historian of the Middle East. Ed. by. B. Lewis and P. M. Holt. London 1962. pp. 138 - 140
1971	Introduction to Kiab - al - Fihrist of an - Nadim. Kitab al-Fihrist. Ed. by Reza Tajaddod. Tehran pp. 1-6

### زیر چاپ

- ۱- و الیغه. بنیاد فرهنگ ایران
- ۲- اخلاق نامری، با همکاری علیرضا جندی
- ۳- و قنانه ربیع رشیدی، با همکاری ایرج کفزار (چاپ نقدی خرونی)